

تحلیلی بر یک سقوط/کی بود کی بود من نبودم..

متاسفانه همانگونه که پیش بینی میشد، بالاترین نماینده استان در فوتبال کشور در دو هفته مانده به پایان لیگ دسته دوم کشور با قرار گرفتن در قعر جدول گروه دوم، امیدها را برای بقا تبدیل به ناامیدی کرد و تقریباً سقوط کرد.

تحلیل های متفاوت از این اتفاق تلخ می شود و هرکس به فراخور اطلاعات خود تحلیلی ارائه و نظری می دهد. بدون شک داشتن اشرافیت و نگاه منصفانه به قضیه عادلانه ترین و کوتاه ترین راه برای شفاف سازی است. باشد تا این واقعه تلخ، عبرتی شود برای آینده و چراغ راهی باشد برای فردا...

در این کوتاه قصد داریم در حد مقدمات این فضا از دیدی بی طرفانه به این اتفاق بنگریم:

اداره کل ورزش و جوانان;

وظایف و مسولیت های سازمان ورزش استان در قبال لیگ های حرفه ای و وظایفی تعریف شده است و معمولاً این ارگان از ورود به آن منع شده و اصولاً اعتباری هم برای هزینه کرد در این موضوع ندارد. بدون شک نقش متولی ورزش استان بیشتر در حد زیرساخت و سخت افزاری است و قطعاً چه در این فصل چه در طی سالهای اخیر، شهرداری اردبیل بدون پرداخت وجهی از این امکانات بهره برده و امکانات سخت افزاری در اختیارش بوده است.

این موضوع نافی نقش و تقصیرات اداره کل در شورای به اصطلاح اهلیت نیست و نخواهد بود.

هیات فوتبال استان;

بدون شک بحث فوق شامل هیات فوتبال استان هم هست و این هیات هیچ وظیفه ای در تامین هزینه های یک تیم خصوصی را ندارد و قطعاً تقصیری هم متوجه آن نیست. ورود این هیات به موضوع تیم شهرداری هم بیشتر یک ورود از منظر حمایتی بوده و انصاف نیست این هیات را مقصر قلمداد کرد.

هرچند هیات فوتبال قوی و با نفوذ در ارکان فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ می توانست کمک حال این تیم در بسیاری از حواشی آن باشد.

مجید حیدری؛

ورود این اسپانسر ضعیف و فاقد توان مالی مناسب برای ساپورت این تیم، شاید بزرگترین علت به نظر برسد، ولی انصافاً به حیدری چه داده ایم و چه گرفتیم؟

کدامیک از ما حاضریم برای خانه ای که متعلق به ما نیست هزینه کنیم؟ حیدری بقول خودش 150 میلیون تومان برای این تیم هزینه کرد. اما مالک هیچ چیزی نبود! نقش او بیشتر یک عابر بانک بود تا مدیر...

هرچند انتقادات زیادی به این شخص، رفتار، کردار و گفتارش در حوزه تیمداری و مدیریت وارد است و کسی که نتواند بر روی ارکان زیر دستش مدیریت کند، عاقبتش همین می شود.

شهرداری اردبیل؛

شهرداری اردبیل همچنان چوب دو فصل فقدان مدیریت خود را می خورد و میلیاردها تومان پول بیت المال بخاطر روابطی نابود شد که همچنان با ناکامی و سقوط تیم هم تداوم یافت و در لیگ دو هم گریبان نماینده اردبیل را رها نکرد.

شهرداری مدعی است که تیم را به بخش خصوصی واگذار کرده است. مستندات کجاست؟ در کدام دفترخانه؟ بندهای قرارداد چگونه تنظیم شد و چگونه عملی شد؟ ضمانت نامه چرا جای خود را به سفته داد؟ چرا تیم هنوز در فدراسیون بنام شهرداریست؟ حیدری مدعی است قول 500 میلیون تومان مساعدت از شهرداری را داشت!! چه کسی و چرا چنین قولی داده بود؟

چرا وقتی هیات فوتبال و متعاقب آن آقای آستانی اعلام آمادگی برای کمک به تیم کردند و جلساتی هم با مسولین شهرداری برای کمک به تیم برگزار کردند، چرا همه چیز در نطفه خفه شد و منجر به نتیجه نشد؟

شورای اهلیت؛

کادر فنی؛

مسولین ارشد استان؛

سه علت آخر باشد برای نشریه...

این تیم تنها دلخوشی هواداران و دوستداران فوتبال شهر بود. چرا
کسی به این هواداران و اشکهای صادقانه آنها احترام نگذاشت؟

مقصر کیست؟

آدرس اشتباه ندهیم... چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است...

در شماره آتی ماهنامه نوید سحر مفصل تر و موشکافانه تر خواهیم
نوشت... یا حق